

هندس = (اندازه و مقیاس و حدود، نقشه، ساختار، موقعیت و علاء و ویژگی، کیفیت، دروازه)

تقدیری = قانونمندی و نظام

شمس - قمر - لیل - نهار - تنگ - اعنای برون - کاهن - خورشید - عقل - خورشید اختیار



استادنا = (اراده - حکم و فرمان - خلق کردن - ایجاد کردن - اجراء و پیاده کردن - محقق شدن)

قضای - حتمیت بخشدن - پایان دادن - فعل  
 اراده، شاد، امره قضی کن فیلون، خلق (فعل)



## قدرت پرواز

## درس پنجم

### توصیه نغمی

در درس های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، ولی، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می کنند. رابطه حلول

در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال ها خواهیم پرداخت که :

۱- با توجه به اینکه همه رخدادهای جهان، تحت اراده خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ **اختیار انسان در حقل اراده الهی است.**

۲- آیا این نظام که با علم و اراده الهی اداره می شود مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای آن؟ **نظام قانونمند در هر دو جهت (تقدیر الهی و اختیار) زمینه ساز رشد و تکوین است. (علم)**

**تعیین:** اندازه، ویژگی و نقشه بدیده ها = یک تقدیر الهی است که با حکمت الهی صورت می گیرد.  
**تحقق:** ویژگی و نقشه بدیده ها = یک قضای الهی است که با اراده الهی می آید.

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهور دعمل اختیاری را عقل غیر اختیاری مفاسد بازگشت (میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات بای) وی به هنگام قدم زدن، تفاوت اساسی وجود دارد، همچنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری و تابع اراده انسان است.) «اختیار» ببرحمه معناست و حکومته حقیقتی است» (اختیار) که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است) حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از آن بهره می برد و آن را اثبات می کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این گونه یادآوری می کند:

و این سخن به اختیار حقیقی وجدانی مشهور



آن یکی می رفت بالای درخت می فشاند آن میوه را دزدانه سخت  
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی از خدا شرمت، بگو چه می کنی؟  
گفت: از باغ خدا بنده خدا می خورد خرما که حق کردش عطا  
پس بیستش سخت آن دم بر درخت می زدش بر پشت و پهلو چوب سخت  
گفت: آخر از خدا شرمی بدار می گشتی این بی گنه را زار زار  
گفت: کز چوب خدا این بنده اش می زند بر پشت دیگر بنده اش  
چوب حق و پشت و پهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او

گفت: توبه کردم از جبر ای عیار اختیار است، اختیار است، اختیار است

آیا چه امور زندگی ما، در اختیاری هستند؟ توضیح (تعمیر، ترمیم)

البته باید توجه داشته باشیم که (بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آنها نقشی نداریم. به عنوان مثال هیچ یک از ما در عملکرد دستگاه های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل ها و... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می شود. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم گیری های ما و تعیین کننده سرنوشت ماست.)

عین طبیعی این است که

۱- حقایق وجدانی، اموری هستند که به قدری آشکار و بدیهی می باشند که هر کس بدون نیاز به هیچ دلیل و واسطه ای در درون خود به آنها علم دارد.

۲- منوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم، با اندکی تلخیص.

( با وجود روشن بودن اختیار و بی نیازی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در

اهنمائی

می یابیم که عبارت اند از: مسئولیت پذیری

۱- تفکر و تصمیم: هر کدام از ما همواره تصمیم هایی می گیریم و برای این تصمیم ها ابتدا از مسیری شرف می کنیم و جوانب آن را می سنجیم و سپس دست به عمل می زنیم. گاهی نیز دچار تردید می شویم که میان چندین راه و چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی های لازم، یکی برگزیده و عمل می کنیم. پیام من: تفکر و عمل، نه از بر وجود اختیار است.

تدبیر در

په

نشانی

قد

قمر

و

ذ

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

خود دلیل اختیار است ای صنم

این که فردا این کنم یا آن کنم

عفت

را توضیح دهید

۲- احساس رضایت یا پشیمانی: هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه آن و تصمیم عاقلانه خود می دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می شویم و به خود یا دیگری زاری می رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می کنیم و با خود می گوئیم ای کاش آن کار را انجام نمی دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته ام.

پیام من: احساس رضایت یا پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته ام.

این دریغ و خجلت و آزر چیست؟

گر نبودی اختیار این شرم چیست

زا اختیار خویش گشتی مهتدی

وان پشیمانی که خوردی زان بدی

را توضیح دهید

۳- مسئولیت پذیری: هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می دانیم. به همین جهت عواقب عمل خود را می پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده ایم، آن را جبران می کنیم. عهدها و پیمانها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد خود مستحق مجازات می داند.

پیام من: انسان بر خلاف سایر موجودات مسئولیت پذیر است و از این بر وجود اختیار را

هیچ گویی سنگ را فردا بیا

هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟

هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

\*\*\* حدیث رسول \*\*\*

\* خدای متعال، متناسب با همین قوة اختیار بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که

۱- مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم.

۲- همان.

۳- همان.

راهنمایی

مسیر شقاوت را پیماید:

خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و

هدایت <sup>توسعه علم</sup> <sup>شکر علم</sup> اَنَا هَدَيْتَهُ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا  
قدرت انتخاب و اختیار

تدبر در قرآن (۱)

پس از ترجمه آیات زیر در آن تأمل کنید و توضیح دهید چگونه محتوای این آیات می تواند

نشانی از وجود اختیار در انسان باشد؟

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ رُحُوسٌ اَللّٰهِ  
په راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی تان آمد

فَمَنْ اَبْصَرَ فَلْيَنْفَسِه  
پس هر کس که بینا گشت، به سوز خود او

وَمَنْ غَمِيَ فَعَلَيْهَا...  
و هر کس که غمگین گردد، به زیان خود او است

دعا: قدرت انتخاب و اختیار انسان (در هر سندی از حدیث الهی و کتب مؤلف نبودن پیامبر)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اَيْدِيَكُمْ  
این (عقوبت) به خاطر کردار است

وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰقِلِيْنَ  
که در نیز به خاطر آن است که خداوند محقرتر به

بند صلبان ستم نمی کند  
تمام قدرت انتخاب و اختیار انسان (با دانش و کفر الهی بر اساس اعمال آزادانه)

قانونمندی جهان، زمینه ساز شکوفایی اختیار خداوند است  
و از ما خوار است بار

(خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای

زندگی خود برنامه ریزی کنیم و به قله های کمال برسیم و تا آنجا پیش برویم که جز خداوند عظمت آن

را نمی داند.)

ممکن است در اینجا این سوال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می کنیم (که خداوند امور آن را

تدبیر می کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می کند و

به پیش می رود) پس در این صورت، آیا مشیت خداوند و قوانین حاکم بر هستی مانع اختیار ما نیست؟

اعتقاد به حکم بودن خدا

۱-سوره انسان، آیه ۳.

۲-بصائر: دلائل روشن.

۳-سوره انعام، آیه ۱۰۴.

۴-سوره آل عمران، آیه ۱۸۲.

عوامل شکوفایی اختیار / اعتقاد به قضا و قدر

۱- تصمیم نداشتن انسان در انتخاب راه مدد خوب بعد از شنیدن رهنمودهای خداوند  
(دانش و قدرت و تصمیم گیری نه از اختیار انسان)

۲- یادداشت و کسوفات نه به واسطه اعمال آزادانه و آگاهانه و مسئولیت خود بودن اختیار

**اعتقاد به خدا که حکیم است** **اعتقاد به خدا که خردمند است**  
 اعتقاد به خدا که حکیم است: هر چه می‌دهیم؛ هر نتیجه‌ای دارد؛  
 اعتقاد به خدا که خردمند است: هر چه می‌خواهد؛ هر نتیجه‌ای دارد؛

در این باره اعمال افتخار

۱- همه وقایع و رخدادهای جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده و غایتمند انجام می‌گیرد. کسی که معتقد به حاکمیت چنین خدایی است، هر چند خودش از شناخت علت بسیاری از حوادث قضا و رخدادهای جهان عاجز است، اما مطمئن است که هر حادثه‌ای هدف معین و مشخصی دارد و از قضا تصادف، غفلت یا ندانم‌کاری رخ نمی‌دهد. (صحت)

همچنین اعتقاد به خدای حکیم، این اطمینان را به آدمی می‌دهد که جهان خلقت حافظ و نگهدارنده نیازها و نیاهای او است. این اطمینان را به آدمی می‌دهد که جهان خلقت حافظ و نگهدارنده نیازها و نیاهای او است. این اطمینان را به آدمی می‌دهد که جهان خلقت حافظ و نگهدارنده نیازها و نیاهای او است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:  
 إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ  
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 أَنْ تَزُولَا - نَسَمَ الْعَقْرَا  
 وَلَئِنْ زَالَتَا لَنُؤْتِيَنَّهُنَّ الْغَيَاثَ  
 إِنَّ أَمْسَكُهُمَا  
 مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ...  
 مگر خود خداوند همه را در یک روز مجموعه می‌کشد و اگر بخواهند نابود شوند، بسیاری تواند آنها را جدا کند و اگر بخواهند نابود شوند، بسیاری تواند آنها را جدا کند.

۲- نتیجه اعتقاد فوق، انسان می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که انتخاب، حرکت و فعالیت وجود دارد (زیرا) اگر وقایع و رخدادهای جهان قانونمند نبود و همه بی‌هدف و اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند، اما با زندگی در جهان قانونمندی است که او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای نیازهای خود از آنها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد (به عبارت دیگر) او در جهانی قانونمند زندگی می‌کند.

در این باره اعمال افتخار

۱- سوره فاطر، آیه ۴۱.

۲- دبیر محترم، هدف از ارائه این آیات زمینه‌چینی برای درک بهتر مفهوم قضا و قدر است و از این رو طراحی سؤالاتی که از دان می‌خواهد که مشخص کنند کدام قسمت آیه به «تقدیر» و کدام قسمت به «قضای الهی» اشاره دارد، با اهداف کتاب سازگار نیست و نمی‌بایند. اعتقاد به خدای حکیم (برهان چه چیزی را فراهم می‌کند) موجب چه چیزی می‌شود؟

می کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. اکنون لازم است این دو اصطلاح قرآنی را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آنها عمیق تر تأمل کنیم.  
قدر و قضای الهی: «قَدْر» و «قَدَر» به معنای «اندازه» و «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است. مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند و از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند، به قضای الهی وابسته اند؛ پس اینکه می گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری ها و ویژگی ها و قانون هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. (نتیجه)

اگر وضع جهان غیر از این می بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت، آئی می توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟ آیا علمی همچون فیزیک، شیمی، زیست شناسی و... می توانستند معنا پیدا کنند (یعنی)؟  
آبی که برای رفع تشنگی می نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست؛ یعنی می دانیم که خداوند آب را با این ویژگی ها آفریده که سبب رفع تشنگی می شود. اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر تلقی کند، اگر واقعاً بخواهد همین تلقی را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ نسبت به فردای جهان چه تصویری خواهد داشت؟ آیا داشتن اراده و اختیار در چنین جهانی را خواهد پذیرفت؟ اصولاً این فرد با چه روحیه ای زندگی را سپری خواهد نمود؟

تفکر

درباره سؤال های بالا بیندیشید و نظر خود را درباره هر یک از آنها ارائه دهید.

۱- دبیر محترم، تفکیک قضا و قدر از یکدیگر، تنها یک تفکیک ذهنی و برای درک مفهوم آنهاست و در عالم واقع، قضا و قدر قابل یک نیستند، زیرا تا خداوند ویژگی های مخلوقی را تقدیر می کند، آن مخلوق تحقق هم می یابد: إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ كَوْنٌ (سوره یس، آیه ۸۲). به تعبیر دیگر میان تقدیر یک شیء از سوی خداوند (قدر الهی) و تحقق آن (قضای الهی) فاصله ای نیست. پس هر نلوقی هم دربردارنده مفهوم قضا و هم قدر است. یعنی از آن جهت که دارای ویژگی هایی است، مشمول تقدیر الهی و از آن جهت که تحقق نه، مشمول قضای الهی شده است. از این رو، طراحی سؤالاتی که از دانش آموز می خواهد مشخص کند که یک شیء شامل قضای الهی یا تقدیر الهی، از اساس غلط است.

با این جهان با یک ساختمان راحل تقدیر و قضای الهی را در آن مستغفص کنید.

می گیرد  
ت اوست  
حوادث  
و از  
نگهبان  
و نابور



رودها از خود نه طغیان می کنند  
 ماه به دریا حکم طوفان می دهیم  
 قطره ای کز جویباری می رود

قضای الهی

عزیزان و حکمت

تقدیر الهی

انچه می نویسم ما ان می کنند  
 ما، به سیل و موج فرمان می دهیم  
 از پی انجام کاری می رود

این قانونمندی تخلف ناپذیر و استوار، مثالی می زند و می فرماید:

خداوند در باره تقدیر الهی

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا  
 أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ  
 وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ  
 وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ<sup>۲</sup>

نه خورشید را سرد  
 که به ماه برسد،

و نه شب بر روز پیشی جوید،  
 و هر یک در مداری در گردشند.

از قانونمندی خود (تقدیر الهی) سبقت اختیار  
 (زیر تکلیف عین بهای بجهت اعجاز محمدری و آلاء کرم)

اصلاح یک پندار

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر  
 چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را که  
 هر نظمی را برهم می زند؛ (در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهند  
 و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر آن قواعد بنا شده است و این قواعد، توسط انسان و ویژگی  
 یافتن و بهره گیری است بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمین  
 برای کار اختیاری پدید نمی آید.

الطبع قضا و قدر با اختیار سازگار است

روزی امیر مؤمنان علی عليه السلام با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشست بود. آن حضرت من  
 کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آنجا برخاست و  
 سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت:  
 - یا امیر المؤمنین آیا از قضای الهی می گریزی؟

امام فرمود: «نه، بلکه از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم.»<sup>۲</sup>  
 یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می برم.

۲) اگر استوار

۲) برداشت نابجای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر ن  
 باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی توانیم تغییری در آن ایجاد ک  
 شر

۱- پروین اعتصامی، دیوان اشعار.  
 ۲- سوره یس، آیه ۴۰.  
 ۳- توحید، شیخ صدوق، ص ۳۳۷.

تقدیر (علم حلت) - قضا (حکم و اراده)  
 و خدا هم تقدیر قضا از کدام یک از صفات خداوند بزرگتر است؟  
 برآشت - صحیح از قضا و قدر

بنابراین، حرکت و تغییر مکان و تصمیم گیری بر اساس دستور عقل بی فایده است. اما امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند. (سفر سوم جمله از قضا الهی: قدر الهی بنیاد عالم نفسی چیست؟)

☆ حال جهانی را در نظر بگیرید که هیچ گونه تقدیر و اندازه ای بر پدیده های آن حاکم نباشد؛ آیا در چنین جهانی جایی برای اراده و اختیار انسان وجود ندارد؟ و آیا اصلاً چنین جهانی معنا دارد و نمی تواند واقعیت خارجی پیدا کند؟ نکته: ۱- سازه ترس و آشکار ترس تقدیرها کدام است!

اختیار انسان، یک تقدیر الهی است. ۲- تقدیر الهی مع حل و مواردی است؟ ۳- منظور از اراده، اختیار انسان است؟

(وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. اینها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند) تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود. اینکه آب در چه درجه ای به جوش آید، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقدیرات الهی است. (یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان طور که مثلاً به آب ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند، باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

در روابط میان موجودات با هم چیست؟ تقدیر الهی

### حدود اختیار انسان

توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم. (مثلاً آسمان و دریا در هر رابطی رام و مسخر انسان نمی شود. فقط در صورتی رام و مسخر انسان می شوند که آدمی ویژگی ها قانونمندی های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا اند در آسمان ها و دریاها سیر نماید.



پس از ترجمه آیه زیر، در آن تدبیر کنید و به سوال های زیر پاسخ دهید:

**تدبیر در قرآن (۲)**

قانونمند (تقدیر)

پس از ترجمه آیه زیر، در آن تدبیر کنید و به سوال های زیر پاسخ دهید:

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

خدا کسی است که دریای را برای شما برآمید بیابانست تا کشتی ها در آن بیابند و از نعمت او بهره مند شوید.

۱- مقصود از رام و مسخر بودن دریاها چیست؟

۲- چرا کشتی ها می توانند در دریاها حرکت کنند؟

جواب: جانور است. جانور است. جانور است. جانور است.

پس تقدیرات و قانونمندی ها هم (لازمه) کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده است.

تاریخ علم نشان می دهد که همین نظام قانونمند، به انسان امکان داد است تا از فکر و اختیار بهره ببرد و دروازه های علم را بگشاید، پهنه دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس ها را بجوید و فضا کاشان ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.

به راستی که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سد راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

تدبیر در قرآن (۳)

با توجه به آیه شریفه: **إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ**؛ ... با هر چیزی برابر اندازه آن خرابیم ...

بگویند چه تقدیراتی در موارد زیر به کار رفته است؟ به هم خوردن این تقدیرات چه عواقبی دنبال دارد؟

الف) جوانه زدن یک گیاه تا تبدیل شدن آن به گل

تقدیرات و دور رس بودن خودگیاه (ظرافت حساس بودن یا قوی بودن) و هم تقدیرات نسبت به مثال

۱- سورة جاثیه، آیه ۱۲ (دما - نور - آب و ...). با بهم خوردن هر کدام از این تقدیرات گیاه از

۲- سورة قمر، آیه ۴۹ سر می رود

رابطه قانونمندی (تقدیر) با اختیار  
شناخت بیشتر تقدیرات الهی چگونه به انسان می کند؟  
ساختن نظم و درون مخلوقات حاکم از تدبیر

ب - به ناصبه و منزلت با پیش اگر کمتر شود با اثرهای سرد و یاسرهای زیاد آن همراه است  
 و بعضی از یک جهت همیشه روزها بیشتر زودتر در هر صورت ناممکن است.

(ب) تابش خورشید به اندازه‌ای که زمین و ساکنان زمین از آن بهره ببرند.

(ج) برنامه‌ریزی یک دانش آموز سال دوازدهم برای قبولی در رشته مورد نظر

۱- توجه به استعداد آرائش آموزش توانایی و مزاج او ۲- در صورتی ممکن (مثلاً آمادگی  
 بیشتر در زبان یا ریاضی در صبح و تأثیر ورزش در یادگیری)  
**رابطه اختیار انسان با اراده خداوند**

در اینجا ما با یک مسئله دیگر روبه‌رو می‌شویم (آن مسئله این است که: چگونه می‌توان هم به قضا  
 و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی  
 مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟)

برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر  
 آشنا شویم. این علت، هر دو دسته‌اند: **علل عرضی** که در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت **مجموعه** و با همکاری  
 یکدیگر **مشارکت** کنند (مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت  
 دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند؛ یا مثلاً وقتی دو نفر دسته‌های  
 یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جابه‌جا می‌کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که  
 باعث جابه‌جایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، **مستقل**  
 از دیگری، **اعمال** می‌کند تا گل بروید یا گلدان جابه‌جا شود. این گونه علت را «**علل عرضی**» می‌گویند (در **علل**  
 عرضی، هر **عامل** به طور **مستقیم** نقش خاصی را برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.)

۲- **علل طولی**: گاهی **تأثیر چند عامل** در پیدایش یک پدیده این گونه است که **یک عامل** در **عامل**  
**دوم** اثر می‌گذارد و **عامل دوم** در **عامل سوم** تأثیر می‌کند تا اثر **عامل اول** را به **معلول** منتقل کند. برای  
 مثال، به هنگام نوشتن، چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:



تأثیر عوامل در هم

- **نفس** یا **روح** که اراده نوشتن می‌کند؛
- ساختار **عصبی بدن** که با **اراده نفس**، موجب حرکت دستمان می‌شود؛
- **دست** که **قلم** را به حرکت درمی‌آورد؛
- **قلم** که با حرکت خود در صفحه، جملات را می‌نگارد.

**کلیه دانه عرضی**: مع رکت مستقل از دیگری این واسطه تأثیر مستقیم در پدید آمدن عمل نوشتن  
**کلیه دانه طولی**: تأثیر غیر مستقیم با واسطه بودن (واسطه بودن) / مقدم در موخر / اثر سبب مختلف

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل عمل نوشتن ممکن نمی شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می نمود عمل نوشتن ممکن نمی شد. اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می نمود عمل نوشتن ممکن نمی شد. اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می نمود عمل نوشتن ممکن نمی شد.

نمونه

پس از ج  
به جنگ بنا  
آن حضه  
به قضا و  
آن مرد  
پاداشی د  
می شود.  
امام  
با اراده  
بازگشته  
سپ  
گفتم  
مردم

مرتبه بالایی است. رابطه اراده خداوند و اراده ما را ببینید. وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری (تأتمانی) که ما می کنیم کاری را نکرده ایم، آن کار انجام نمی گیرد؛ در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می آید همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

فعل اختیاری انسان در هر صورتی انجام می پذیرد.  
رابطه اختیار انسان با اراده خداوند نیز به این عمل است.

بررسی

با اینکه قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت ها و چه در شکست های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان ها می کوشند شکست های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟  
عقولاً: آدمی نمی خواهد بپذیرد که خود را علت شکست این خود بخورد. بپذیرد که شکست می خورد. چون علم الیقین با قدرت برده بر قدرت او جاریست بر افعال بیسی با بدیهی می شود. می شود. لغز صدمم به بصیرت می شود که در هر جا که این جسم به قضا و قدر الهی می خورد. است. به دلیل استفاده نکردن از ابزار و وسایل کوهنوردی

سخن به

می دا  
چون  
علم  
لغز  
ان

توجه: خداوند اراده انجام ازین فعل اراده نوع انتخاب با خود میال است اما انتخاب و اراده به عنوان یک صورتی ازین می خورند بر این اراده است.

# حضرت علی (ع) اعتماد بر قضا و قدر را سفید برای آن تبیین کردیم

نمونه

پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی (ع) سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تبه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)

امام (ع) فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آنجا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ‌یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام، به برداشت ناصحیحی که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از اینکه گفتم رفتن بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»

بنا بر زمانش امام علی (ع) اگر قضا و قدر هر دو بودیم ما سرور

## مستفهم در تبیین اجتناب از قضا و قدر الهی

ممكن است برای شما این سؤال پیش آید که «اگر خداوند از قبل، سرنوشت و آینده مرا بداند، تلاش و اراده من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد و اگر تلاشی بکنم، و شکست من در علم خداوند آمده است، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر برعکس، لم خداوند بر موفقیتم باشد، باز هم نیازی به تلاش ندارم.»

چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن علم خدای متعال با علم انسان است و از بشکاه‌هایی است که قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

کلید پاسخ به این سؤال در این نکته نهفته است که علم خداوند هم پایان و نتیجه امور و هم فرایند ام حوادث را در بر می‌گیرد. در حالی که علم انسان‌ها چنین نیست. مثلاً یک کارشناس فوتبال که حه یک مسابقه را پیش‌بینی می‌کند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، هر یک بر اساس

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۱.

فروع علم خداوند با علم انسان مواجست؟ بازگرسال

اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می زنند؛ اما آن معلم علم ندارد که این دانش آموز  
بعد تا روز امتحان چه تصمیم هایی خواهد گرفت، آیا متحوّل خواهد شد یا به راه گذشته ادامه  
داد. (در حالی که علم خداوند این گونه نیست. او همان طور که پایان فرایند را می بیند بر تمام  
تصمیم گیری های طول فرایند هم شاهد و آگاه است. او می داند که مثلاً فردا آن دانش آموز به اخذ  
تصمیم می گیرد، ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می گیرد از میزان خواب خود  
ده ها تصمیم اختیاری دیگر همچنین می بیند که این تصمیم ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد  
شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به سلسله تصمیم ها و عوامل دیگر مؤثر  
فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، بر اساس علم به تمام عوامل و جزئیات است.  
پیش بینی صرف درباره نتیجه.

توجه  
علم خداوند بر همه چیز با تمام جزئیاتش بدون در نظر گرفتن موقعیت زمان  
در حال حاضر علم انسان فقط در مورد نتیجه جان جسم با حس و مکان حوله  
منها مانند دانش آموزی که در آن لحظه تا روز امتحان هیچ تصمیمی نگذرد.

# پیاموز | Biamoz.com

بزرگترین مرجع آموزشی و نمونه سوالات درسی تمامی مقاطع

شامل انواع | نمونه سوالات | فصل به فصل | پایان ترم | جزوه |

ویدئوهای آموزشی | گام به گام | طرح درس | طرح جابر | و ...

اینستاگرام

گروه تلگرام

کانال تلگرام

برای ورود به هر پایه در سایت ما روی اسم آن کلیک کنید

## دبستان

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
-----	-----	-----	-------	------	-----

## متوسطه اول

هفتم	هشتم	نهم
------	------	-----

## متوسطه دوم

دهم	یازدهم	دوازدهم
-----	--------	---------